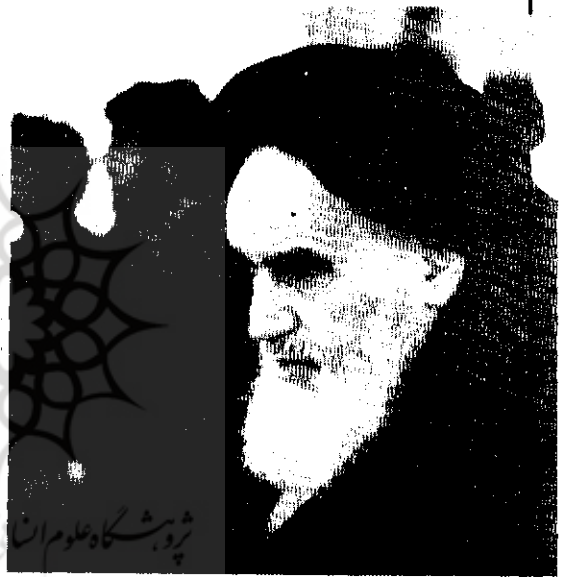


تعلیم و تربیت کودکان در سیره امام خمینی (ره)

معنوی جامعه تضمین می‌گردد. از این رو، توجه به ابعاد گوناگون تربیتی انسان، باید دغدغه دست‌اندرکاران و مسئولان حکومت اسلامی باشد.

امام خمینی (ره) به عنوان ولی فقیه عالی مقامی که در رأس قله فقاقت و رهبری جامعه اسلامی قرار داشتند، کاملاً دریافته‌اند که اصلاح جامعه بدون مهیا کردن زمینه تربیتی مناسب و پرورش نسلی خود ساخته و خداجو امکان ندارد. از آن جا که یکی از نهادهای اصیل در جامعه، خانواده است که به عنوان رکنی تربیتی به شمار می‌رود و در آن، پرورش فکر و تعالی روح انسانی جلوه‌گر می‌شود، لذا امام (ره) با گفتار و رفتارشان، توجه مردم، به ویژه مسئولان را به این نهاد مهم اجتماعی جلب کردند.

آن چه در این نوشتار خواهد آمد، بررسی جایگاه مادر و کودکان، به ویژه دختران در نظام تربیتی امام (ره) است. در مکتب تربیتی امام (ره) برخی ابعاد که برای دیگران چندان اهمیتی نداشت، آن چنان مهم به شمار آمده، که بی‌توجهی به آن‌ها سبب تزلزل مناسبات فرهنگی و اجتماعی شمرده شده است. از این‌رو، امام (ره) مادران را اشرف افراد و کودکان را آیات صدق و صفا معرفی می‌کنند، و تکریم و قدردانی از آنان را ضامن بقای مادی و معنوی جامعه اسلامی بر می‌شمرند.



غلامرضا گلی زواره

نقل از: مجله مسجد

مقدمه

هدف اصلی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، شکوفایی استعدادها و نهفته‌های انسانی و رشد آن‌ها در مسیر الهی است. بدین گونه، افراد صالح در جامعه شکل می‌گیرند و رشد و حیات

شیرده ابله را برای شیردادن کودک مگمارید، که شیر در طبع کودک اثر می‌گذارد [امام خمینی، انوارالهدایه، جلد ۱، ۸۳-۸۴].

در نظام تربیتی امام خمینی (ره)، خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد. این کانون به عنوان محملی برای تربیت و پرورش فکر و تعالی روح انسانی، جایگاه خود را می‌یابد. خانواده، مبنای بروز و ظهور غواطف انسانی و رکن عمده جامعه است [امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۶، ۱۴۰ و ۲۸۲-۲۸۳]. ولی در بسین نقش‌های گوناگون والدین و دیگر اعضای خانه، این مادر است که سهم اصلی و اساسی را در تربیت کودک ایفا می‌کند تا بدان جا که هیچ کس دیگر حتی پدر، به پای او نمی‌رسد. هم چنین، دیگر کارگزاران پرورشی همچون: معلم و مربی به هنگام مقایسه با نقش مادر، جنبه ثانویه پیدا می‌کنند. ایشان در این باره می‌فرمایند: "دامن مادر، بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آن تربیت می‌شود. آن چه از مادر می‌شنود، غیر از آن چیزی [است] که از معلم می‌شنود" [امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۸، ۲۴۰-۲۴۱].

در بسیاری دیگر، امام فرمودند: "مادرها بیش‌تر مسئول هستند و مادرها اشرف هستند. شرافت مادری، از شرافت پدری بیش‌تر است" [امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۶، ۲۸۲-۲۸۳].

امام (ره) در بخشی از یکی از سخنانشان، خاطر نشان ساخته‌اند: "این مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود، بزرگ‌ترین مسئولیت را دارد، و شریف‌ترین شغل را دارد" [امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۶، ۲۶۱-۲۶۲].

از نظر امام، زن هنگامی می‌تواند بیرون از خانه کار کند، که به خانواده‌اش صدمه‌ای وارد

امام خمینی (ره) انتخاب همسر را در پرورش کودکان مؤثر می‌دانستند و می‌فرمودند: "اسلام در انسان این نظر را داشته است که آن زوجی که انتخاب می‌شود، چه جور باشد تا از این زوج، انسان صحیح پیدا شود" [مجموعه مقالات، ۴۰۰-۴۰۱].

در روایات منقول از اهل بیت (ع) هم نقل شده است که همسر صالح در نطفه اثر مفید می‌گذارد. سجایای اخلاقی فرزندان، دلیل پاکی وراثت و فضیلت خانوادگی است. در واقع، اگر صلب طاهر باشد و رحم مادر با رعایت آداب اسلامی حفظ و رعایت گردد، فرزند مطهر، لطیف و نورانی می‌شود و اگر سلسله پدران و مادران در کمال نورانیت باشند، فرزند سراسر صفا و نور خواهد بود؛ چنان‌که درباره حضرت امام حسین (ع) در زیارت می‌خوانیم: "اشهد انک كنت نوراً فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها و لم تلبسک من مدلهمات ثیابها" (گواهی می‌دهم که تو نوری بودی در صلب‌های عالی و شامخ پدران و رحم‌های پاک مادران. ناپاکی‌های دوران جاهلیت شما را آلوده نساخته و غباری از ردایل بر دامن شما ننشسته است) [طوسی، مصباح المجتهد، ۶۶۴].

شیر خوردن، نحوه شیردادن و خصوصیات کسی که به طفل شیر می‌دهد، از نظر امام (ره) دخالت بسیار بارزی در تربیت کودک دارد. ایشان در این باره می‌فرمایند: مستحب است که برای شیر دادن کودک، بانویی مسلمان، عاقل، عقیف، با شخصیت و دارای اوصاف نیک انتخاب شود، زیرا شیر دارای تأثیر فراوان در کودک شیرخوار است؛ چنان‌که تجربه نشان داده است و آثاری از آن خبر داده‌اند که زن

با توجه به تجربیات موجود که نشانگر حقیقتی تلخ و نامطلوب برای ماست - و آن واقعیت این است که آثار اشتباه‌ها و خطاهای دوران صباوت، در دیگر مراحل زندگی انعکاس دارد و در تمام عمر با فرد خواهد بود - اهمیت و ضرورت تربیت خانوادگی روشن‌تر می‌شود، و نیز اثرات درست تربیت طفل استمرار می‌یابد. یکی از بزرگان می‌گوید: آن دستی که گهواره را می‌جنباند، در واقع دنیا را به حرکت در می‌آورد [موتنه سوری، کودک و خانواده ۱۲۲].



امام خمینی (ره) در بخشی از بیانات خویش فرمودند: "زن، یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتش نه یک فرد، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده می‌شوند؛ و می‌تواند به عکس آن باشد" [امام خمینی، پیام امام].

امام (ره) در جای دیگر به این نکته اشاره دارند: "اگر زن‌های انسان ساز از ملت گرفته بشود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهد شد" [امام خمینی، سخنرانی در جمع بانوان قم].

براساس تحقیقات روان‌شناسان و روان‌کاوان در جوامع مختلف، کمبود یا نبود محبت، عواقب خطرناکی برای فرد و جامعه به بار می‌آورد. اطفالی که در دوره کودکی از عاطفه محروم شوند، در سنین بالاتر خشن و عقده‌ای بار می‌آیند. سرچشمه بسیاری از شرارت‌ها و خیانت‌های کودکان، جوانان و حتی بزرگسالان، کمبود محبت است. در این خصوص، امام (ره) تأکید کردند: "بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شده‌اند و در پرورشگاه‌ها

نشود. اگرچه پدر مسئول شرعی فرزند است و اگر بچه ناصالح و خلاف کار بار بیاید در پیشگاه خداوند مواخذه می‌شود، اما امام (ره) نقش مادر را بسیار تعیین کننده می‌دانستند و به تربیت بچه‌ها به وسیله مادران اهمیت می‌دادند. گاهی که اطرافیان به شوخی به امام می‌گفتند که چرا زن باید درخانه بماند؟ امام (ره) جواب می‌دادند خانه را دست کم نگیرید. تربیت بچه‌ها کم نیست. اگر کسی بتواند فردی را پرورش دهد، خدمت بزرگی به جامعه کرده است. عاطفه در زن قوی‌تر است و قوام و دوام خانواده، بر اساس محبت می‌باشد" [یا به پای آفتاب، جلد ۱، ۱۷۲].

در جایی، امام (ره) توجه به مادرها را به این نکته جلب می‌کنند: "مادرها باید توجه به این معنا کنند که بچه‌ها را خوب تربیت کنند، پاک تربیت کنند. دامن‌هایشان یک مدرسه علمی و ایمانی باشد" [روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۷۴۴].

امام (ره) با حالت تبسم فرمودند: شما که فاطمه دارید، اسم این را هم زهرا بگذارید.

من متعجب شده بودم که با وجود تمام گرفتاری‌ها و با توجه به این که در این مدت اصلاً صحبتی در این باره با ایشان نکرده بودم، نام اولین دخترم را به یاد داشتند. برای نام‌گذاری و خواندن اذان و اقامه به گوش سومین بچه، به محضر امام آمدم. نوزاد به شدت می‌گریست و هر کاری کردیم، خاموش نشد. امام (ره) فرمودند: بچه را به من بدهید. چون کودک را به آقا دادیم، وقتی "الله اکبر" را در گوش او زمزمه کردند، گریه‌اش به پایان رسید و لبخند بر چهره او نمایان گشت [روزنامه رسالت، ویژه‌نامه پیک هجران].

حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان، در خاطراتش از امام (ره) می‌نویسد: در زمستان سال ۱۳۶۳، خداوند فرزند دختری به این جانب عطا فرمود. چند روز بعد از تولد، مادرش او را به بیت امام آورد. برای تشریف به خدمتشان همراه با نوزاد، از پله‌های حیاط به بالا می‌آمدم که توجه معظم له به حقیر جلب شد. با تبسم و نشاط کم سابقه، اذن دخول دادند. قبل از آن که سخنی بگویم، فرمودند: بچه خودتان است.

عرض کردم، بله.

بلافاصله دو دستشان را به علامت تحویل کودک جلو آوردند و هم زمان پرسیدند: دختر است یا پسر؟

عرض کردم: دختر است.

امام (ره) او را در آغوش گرفتند، صورت به صورتش نهادند، پیشانی نوزاد را بوسیدند و فرمودند: دختر خیلی خوب است. دختر خیلی خوب است. دختر خیلی خوبی است. و سپس

رفتند، این‌ها چون بدان اجنبی هستند و محبت مادر ندیده‌اند، عقده پیدا می‌کنند. این عقده، منشأ همه یا اکثر مفاسدی است که در بشر حاصل می‌شود" [امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۸، ۲۴۰].

خانم اشراقی، نوه امام، می‌گوید: امام همیشه به مادرم توصیه می‌کردند که بهترین عبادت برای مادر، نگهداری از فرزندان و تربیت آنان است [مجله زن روز، شماره ۱۲۶۷].

رایحهٔ ریحانه

علاقه امام (ره) به دختر، زیاد بود. امام (ره) به کسانی که فرزند اناث داشتند، می‌گفتند: آن چیزی که مهم می‌باشد، دختر است. ایشان همیشه می‌گفتند: آن کسی که می‌تواند مورد علاقه قرار بگیرد، دختر است. شاید به همین خاطر بود که امام (ره) عقیده داشتند که از دامن زن، مرد به معراج می‌رود [روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۶۴۷].

یکی از افرادی که در بیت حضرت امام بوده است می‌گوید: در مدت نه سالی که در جماران بودم، خداوند سه بچه به ما عنایت کرد. فرزند اول را که برای اذان و نام‌گذاری خدمت امام بردیم، فرمودند: چون دختر می‌باشد، نام فاطمه مناسب است. دو سال و نیم بعد، دختر دوم را خدمتشان بردیم، و چون با خانواده رفته بودم، احتمال می‌دادم که امام چیزی بگویند. ولی پس از آن که اذان و اقامه را در گوش نوزاد گفتند، عرض کردم: آقا اسمش را هم شما تعیین کنید.

امام (ره) پرسیدند: دختر است یا پسر.

گفتم: دختر است.



امام (ره) در گوشش دعا خواندند، بعد، امام (ره) از نامش پرسیدند.

من به عرض رساندم: آقا! اسمی برایش انتخاب نکرده‌ایم، و منتظریم حضرت عالی نامش را تعیین کنید.

امام (ره) بدون تأمل فرمودند: فاطمه خیلی خوب است. فاطمه خیلی خوب است. فاطمه خیلی خوب است.

این تأکید و تکرار، از سوی شخصیتو صورت گرفت که بر سکوت و سخن گفتن در حداقل و مبتنی بر ادای تکلیف اکتفا می نمودند. امام (ره) در نجف که مدت نیم ساعت هر شب برای دیدار عمومی به اتاق بیرونی تشریف می آوردند، جز "سلام" و "مساکم الله بالخير" چیزی نمی گفتند و تا آخر جلسه به سکوت برگزار می کردند. ایشان در پاسخ سؤالها اغلب سکوت می نمودند، و گاهی هم جواب با یک نگاه، اشاره دست یا کلمه‌ای و نهایتاً عبارتی کوتاه داده می شد. در واقع، سیره حضرت امام (ره) در برخوردها و گفته‌هایشان، صرفه جویی در سخن گفتن و اکتفا به حداقل ضرورت بود. از این رو، تکرار این جملات در باره دختر و نام فاطمه، آن هم به صورت کلی - اگر چه مورد خاص است، ولی مخاطب همگان هستند - امری حساب شده و برخاسته از یک ریشه اعتقادی و فرهنگی نیرومند، در جهت گسترش و تعمیق اعتقاد و فرهنگ در جامعه اسلامی است. تأکید بر خوبی دختر، برای مبارزه با رسوبات جاهلیت کهنه و مدرن و اصرار بر نام فاطمه، به جهت احیای بهترین الگوی زن مسلمان می باشد.

ایشان در جای دیگر برای روشن تر شدن شدن برخورد حکیمانه حضرت امام (ره) در

هنگام تولد دختر، به ماجرای دیگری اشاره می کند و می افزاید: نوزاد بعدی را که پسر بود، یک سال بعد خدمت امام بردم - این بار برخورد آن گونه نبود و کاملاً با برخورد قبل متفاوت به نظر می رسید [در سایه آفتاب، ۱۲۶ و ۱۲۹].

خانم اشراقی، نوه امام، گفته است: گاهی، دخترم را به منزل امام نمی بردم. یک روز که وارد خانه ایشان شدم، دیدم مشغول قدم زدن در حیاط هستند. تا سلام کردم، امام (ره) گفتند: بچه‌ات کور؟

گفتم: نیاورده‌ام، چون اذیت می کند.

امام (ره) ناراحت شدند و گفتند: اگر این دفعه بدون دختری می خواهی بیایی، خود هم نباید بیایی.

از ایشان پرسیدم: آقا شما چرا این قدر بچه‌ها را دوست دارید؟ آیا چون به ما تعلق دارند، دوستشان دارید؟

امام (ره) فرمودند: نه، من به حسینیه که می روم، اگر بچه باشد، حواسم دنبال او می رود. این قدر من بچه‌ها را دوست دارم. وقتی صحبت می کنم و می بینم که بچه‌ای گریه می کند یا دست تکان می دهد و به من اشاره می کند، حواسم به سوی این می رود [یا به پای آفتاب، جلد ۱، ۲۰۱].

ادامه دارد